

روند دگرگونی‌های ارزشی در ایران پس از انقلاب اسلامی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸

* محمد رحیم عیوضی

** فرزاد جهان‌بین

چکیده

در این مقاله روند دگرگونی‌های ارزشی جامعه ایران در تحقیقات انجام گرفته از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفته است. انقلاب اسلامی با اتکا به ارزش‌های معنوی و متعالی به پیروزی رسید و بی‌شک ادامه حیات جمهوری اسلامی و نیل به آرمان‌های جهانی انقلاب اسلامی جز از رهگذر حفظ و تقویت این ارزش‌ها ممکن نخواهد بود. بنابراین، شناخت تغییرات احتمالی اعتقادات و ارزش‌های جامعه ایران در طول این سال‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مطالعه براساس فراتحلیل نتایج پیمایش‌های ملی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸، به بررسی روند تغییرات ارزش‌های جامعه ایران در این بازه زمانی پرداخته است.

واژگان کلیدی

دگرگونی ارزشی، سکولاریسم، تعقل، قناعت، امید به آینده، ایران.

eivazi.daneshjo@yahoo.com

*. دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

** دانشجوی دکترای مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه

ff5meh@yahoo.com

بین‌المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۰

مقدمه

به اذعان بسیاری از اندیشمندی که در خصوص انقلاب اسلامی ایران تأمل کرده‌اند، انقلاب اسلامی، اقدامی بود در جهت بازگشت به خویشتن - یعنی اسلام - در مقابل پروژه غربی‌سازی ایران که از دوره مشروطه آغاز شده و در دوره پهلوی با قوت ادامه یافته و هویت ملی ایرانیان را لکه‌دار ساخته بود. بسیاری از نظریه‌پردازان که بیشتر، علل انقلاب را در مسائل اقتصادی و اجتماعی دیده بودند، با ملاحظه انقلاب اسلامی، به جایگاه نظری عوامل فرهنگی در پیدایش انقلاب‌ها پی بردند و در نتیجه به آن اهمیت بیشتری دادند.

از بررسی اندیشه امام خمینی علیه السلام نیز به‌عنوان سلسله‌جنبان انقلاب، در خصوص آرمان‌های انقلاب اسلامی، آشکارا به دست می‌آید که نداشتن وابستگی فکری به شرق و غرب و بنیان‌گذاری تمدنی بر پایه فرهنگ اسلامی، در رأس خواسته‌های ایشان بوده است.

براساس همین شعارهای فراملی بود که انقلاب اسلامی در مدتی کوتاه، تأثیرات مهمی در سراسر دنیا از خود بر جای گذاشت و به‌دلیل ماهیت فرهنگی و چالش‌طلبانه‌اش، با وجود تمام تلاش‌های مخالفانش، درون مرزهای ایران محدود نگردید. این انقلاب با چنین اهداف و مبتنی بر چنین اعتقادات و ارزش‌هایی زاده شد. علت موجد انقلاب، اسلام‌خواهی مردم و مقابله با استبداد و استکبار بوده است و بی‌شک علت مبقیه انقلاب نیز همین عوامل خواهد بود.

سؤال اصلی این است که اعتقادات و باورها و ارزش‌هایی که سبب وقوع انقلاب اسلامی و فداکاری در راه حفظ آن شد، در طول سی سال گذشته چه فراز و فرودی در جامعه داشته است. طرح این سؤال، از آن جهت ضروری است که به اذعان بسیاری از اندیشمندان و از آن جمله «پارسونز»، بین «نظام سیاسی» و «ارزش‌های حاکم بر جامعه»، رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که ساختار و پندار از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. در صورت وجود هماهنگی بین ساختار و پندار، نتایج مهمی به‌دست می‌آید؛ از جمله: استمرار قدرت سیاسی، استواری قوانین، ایجاد ثبات و حفظ تعادل، حفظ مشروعیت نظام سیاسی، تبدیل زور به حق و اطاعت و فرمانبرداری مردم از نظام سیاسی و قوانین. در حقیقت، در صورت وجود اشتراک بین ارزش‌ها و سیستم سیاسی، به‌طور معمول، نظام سیاسی از ثبات و تعادل برخوردار است و در صورت تغییر در پندار، در نظام سیاسی نیز تغییر ایجاد می‌شود و در نتیجه باعث ثبات یا تحول سیاسی می‌گردد.

از این رو بین «جامعه‌پذیری سیاسی و پندار» رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی نظام‌های سیاسی از طریق عوامل اولیه و ثانویه جامعه‌پذیری سیاسی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به حفظ الگوهای فرهنگی و پندار می‌پردازند یا در جهت مصالح حکومت، آن را تغییر داده، در درازمدت به صورت باور و پندار جامعه درمی‌آورند و به این ترتیب، بر ثبات و مشروعیت خود تأکید می‌ورزند. در واقع، نظام‌های اجتماعی و سیاسی با اجرای درست و به‌موقع جامعه‌پذیری سیاسی، می‌توانند فرهنگ و هویت سیاسی بسازند و در حفظ و نگهداری آن بکوشند. تغییرات اجتماعی و سیاسی مورد نیاز را نیز به‌آرامی ایجاد کنند و زمینه‌های افزایش مشارکت سیاسی را فراهم آورند.

پس در صورتی که نظام اجتماعی و سیاسی، نتواند از طریق جامعه‌پذیری سیاسی، باورها و الگوهای فرهنگی را به نسل جدید انتقال دهد و بین ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه و نظام سیاسی سازگاری ایجاد کند، میان نظام سیاسی و جامعه، تعارضات ارزشی جدی پدید می‌آید. در صورت وقوع تعارض ارزشی بین نظام سیاسی و جامعه، حاکمان به‌جای حل مشکل و انعطاف‌پذیری، به زور متوسل می‌شوند. در نتیجه، از دیدگاه «پارسونز»، شروط لازم برای وقوع انقلاب تحقق می‌یابد و با پیدایی شرط کافی - یعنی عوامل شتاب‌زا که موجب ظهور ضعف دستگاه سرکوب می‌شوند - وقوع انقلاب اجتناب‌ناپذیر می‌شود؛ چون پندار همگون در دولت و ملت موجب ثبات، و پندار ناهمگون در دولت و ملت باعث تحول سیاسی می‌گردد.

کلیات

برای تجزیه و تحلیل منظم و دقیق داده‌ها و توصیف و تبیین علمی هر پدیده، به چارچوب نظری و نیز تعریف مفاهیم کلیدی نیاز است. از این رو در ابتدا تعریفی دقیق از مفاهیم به‌کاررفته در تحقیق، عرضه می‌شود:

یک. فرهنگ

فرهنگ در زبان لاتین، از ریشه «cultura»، به معنای مراقبت از گیاهان است؛ در معنای مجازی به معنای مراقبت از اندیشه آمده است و زمانی که درباره انسان به کار می‌رود، به میزان آموزش و پرورش و توجه به اندیشه یا هر آنچه از افکار و عقاید در جامعه کسب

می‌شود، اطلاق می‌گردد. (سازگار، ۱۳۷۷: ۹۳)

در تعریف اصطلاحی، فرهنگ، تعاریف مختلف و متنوعی دارد که برخی آن را تا سیصد تعریف نیز رسانده‌اند. (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۷) تعدد تعاریف در جهت تبیین و تصویر چپستی و چگونگی فرهنگ، ما را به این حقیقت رهنمون می‌شود که فرهنگ، از آن دسته مفاهیمی است که سخت تن به تعریف‌پذیری می‌دهد. در یک سوی دامنه این تعاریف، فرهنگ به توسعه هنرها، فعالیت‌های تفننی در مقولات زیبایی‌شناختی و محصولات و خدماتی که اوقات فراغت را پر می‌کند اطلاق می‌شود؛ اما در سوی دیگر دامنه تعاریف فرهنگ، مجموعه رفتارها و هنجارها و ارزش‌های یک جامعه در حیطه فرهنگ قرار می‌گیرند.

با بررسی دقیق تعاریف، می‌توان فرهنگ را نظامی متشکل از اعتقادات و باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادهای بهم‌پیوسته‌ای تعریف کرد که در یک جامعه شکل گرفته است و به‌طور مداوم تولید و بازتولید می‌گردد.

دو. تبیین جایگاه فرهنگ نسبت به سایر حوزه‌ها

این بخش از آن‌رو مهم است که نگارنده معتقد است، اساس تمام تغییرات در همه حوزه‌ها، به تغییرات فرهنگی بازمی‌گردد. از همین روی، مؤلفه‌هایی که روند تغییرات آنها بررسی خواهد شد، در دو لایه اعتقادات و ارزش‌ها - به‌عنوان دو لایه زیربنایی در فرهنگ - جستجو می‌شوند. در این خصوص، ذکر این مطالب به‌اجمال می‌تواند مؤثر باشد.

با تعریفی که از فرهنگ شد، فرهنگ به‌مثابه «هوا» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۰۴) بستر زیست تمام حوزه‌ها را فراهم می‌سازد. بر این اساس، هر نوع خطمشی و سیاست‌گذاری که دولت‌ها در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در پیش گیرند و هر نوع سبک زندگی که جوامع برگزینند، با اعتقادات و باورها و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه، نسبت مستقیم دارد. بر همین اساس است که امروزه نظریه‌های فرهنگی گوناگونی با هدف توضیح و تفسیر جایگاه فرهنگ در سیاست داخلی و خارجی و همچنین اقتصاد و ... ظهور کرده‌اند.

پیش‌فرض اساسی نظریه‌های فرهنگی، آن است که رفتار و کنش‌های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوها و گرایش‌های فرهنگی

است. این نظریه‌ها به دنبال شناخت زمینه‌ها، فرایند شکل‌گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، اعتقادات و ترجیحات ما در زندگی اجتماعی هستند. (تاجیک، ۱۳۸۶: ۴۴)

بر همین اساس، در باور امام خمینی ره، در مقام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، بدون هیچ تردیدی بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است و اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن را تشکیل می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۲۴۳)

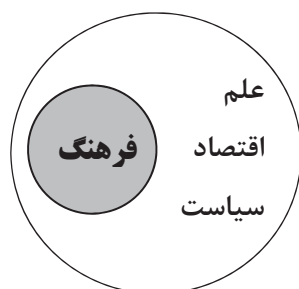
امام راحل ره، فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت دانسته و معتقد است:

اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ فرهنگ استعماری و انگلی است؛ و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه‌شان بعد از چند وقت می‌شکند، و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه‌چیز هستند، از دست ما می‌روند و انگل بار می‌آیند، غریزه بار می‌آیند... (همان: ۳ / ۳۰۶)

مقام معظم رهبری نیز با تمثیل فرهنگ به عنوان ستون فقرات حیات یک ملت، معتقدند:

فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفتهایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸)

براساس آنچه بیان شد، روشن می‌گردد که فرهنگ، جایگاه زیربنایی نسبت به سایر حوزه‌ها دارد. به عبارتی، تغییرات و تحولات حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، تابعی از تغییرات و تحولات فرهنگی است. البته فرهنگ نیز از حوزه‌های یادشده متأثر می‌گردد. شکل زیر تا حدودی می‌تواند نمایانگر مطالب پیش گفته باشد.



سه. تبیین مؤلفه‌های کلیدی

دانشمندان علوم اجتماعی، از ارزش‌ها طبقه‌بندی‌های متفاوتی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه «اینگلهارت» و «رفیع‌پور» با طبقه‌بندی ارزش‌ها و تعیین سنجه‌های ارزشی، سعی داشتند روند دگرگونی ارزشی را نشان دهند. «اینگلهارت» براساس مطالعات مربوط به پیمایش‌های نوسان‌سنج اروپا، تفاوت‌های بین فرهنگی در زمینه «مطالعات طولی» و «پیمایش‌های ارزش‌های جهانی»، گرایش‌های اصلی مردم جوامع مختلف و تفاوت نسل‌ها در زمان دگرگونی فرهنگی را بررسی کرد. او برای سنجش ارزش‌های شهروندان اروپایی، آنها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم کرد. ارزش‌های مادی که بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد مبتنی‌اند، با حیات طبیعی او ارتباط مستقیم دارند؛ اما ارزش‌های فرامادی با ارضای نیازهای فرازیستی در ارتباطند.

اینگلهارت دوازده سنجه ارزشی را در نظر گرفت که شش سنجه آن به ارزش‌های مادی و شش سنجه نیز به ارزش‌های غیرمادی مربوط بود. شش مقوله‌ای که ارزش‌های مادی را شامل می‌شد، عبارت بود از: حفظ نظم در کشور، مبارزه با افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، اطمینان از اینکه کشور نیروهای دفاعی نیرومندی دارد، حفظ اقتصاد باثبات و مبارزه با تبه‌کاری. شش مقوله‌ای که برای ارزش‌های فرامادی در نظر گرفته شد، عبارت بود از: اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع، کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر، حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه‌ها در آن بیش از پول است. (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۸۳)

رفیع‌پور نیز برای سنجش تغییر ارزش‌های جامعه ایران طی سه دوره زمانی ۱۳۷۱، ۱۳۶۵ و ۱۳۵۶، ارزش‌ها را به دو دسته مادی و مذهبی تقسیم کرد و پس از تعیین ابعاد ارزش، برای سنجش تغییر ارزش‌های مذهبی از چهار مقوله بهره برد: اعتقاد به دین، علاقه به روحانیان، رعایت حجاب و احترام به زنان چادری. او با استفاده از تکنیکی روش‌شناختی، موسوم به «هنجار ذهنی»، به سنجش تغییرات ارزشی افراد در این سه دوره زمانی پرداخت. (توکلی، ۱۳۷۸: ۱۵۳)

نگارنده معتقد است با توجه به جایگاه فرهنگ که در مقایسه با دیگر حوزه‌ها، جایگاهی زیربنایی دارد و باید مؤلفه‌های کلیدی را در آن جستجو کرد و نیز با توجه به اهداف و آرمان‌های انقلاب و تأثیر باورها و ارزش‌های اجتماعی بر ساخت قدرت سیاسی، که تربیت یک جامعه تراز انقلاب اسلامی را ضروری می‌سازد، این موارد در دو دیدگاه یادشده چندان کامل به نظر نمی‌رسد. چنان‌که بیان شد، هدف غایی از وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، درافکندن طرحی نو از زندگی براساس اسلام و درهم فروریختن سلطه شرق و غرب بود. بدیهی است که چنین هدفی اگر در عمل پیگیری شود، چالش‌های زیادی را در تعامل با برقدرت‌ها برخواهد انگیخت و جامعه‌ای با چنین اهدافی دشمنان زیادی خواهد یافت. به نظر می‌رسد در چنین جامعه‌ای، در میان ویژگی‌های فرهنگی که هر جامعه اسلامی به‌طور طبیعی باید از آن برخوردار باشد، برخی ویژگی‌ها باید جایگاه برجسته‌تری داشته باشند و مدام به‌عنوان نشانه‌های حیاتی یک جامعه تراز انقلاب، پایش و کنترل شوند. نگارنده، براساس تحلیل محتوای سخنان امام راحل علیه‌السلام و مقام معظم رهبری، به این مؤلفه‌ها دست یافته است.

۱. لایه اعتقادات و باورها

بررسی نظریات و دیدگاه‌های امام راحل علیه‌السلام و مقام معظم رهبری، به وضوح نشان می‌دهد مهم‌ترین مؤلفه کلیدی در لایه اعتقادات - که باید در جامعه انقلابی مدام تولید و بازتولید شود - مسئله توحید است. نکته مهم آنکه توحید، عقیده و اندیشه‌ای خنثی نیست که در حوزه رفتار و کردار انسانی تأثیر نداشته باشد و از نظام اجتماعی و سیاسی و ارزش‌های اخلاقی او جدا باشد. نقطه آغاز و نیز پایان سیاست و حاکمیت دینی از آن خداوند است؛ چراکه خالقیت، ربوبیت، هدایت و ولایت در انحصار اوست. از این‌رو، حکومت و حاکمیت مطلق از آن اوست

و هموست که این حاکمیت را در مرحله بعد با شرایطی به «انبیاء، اولیا و علمای آگاه» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۴۳۲) تفویض فرموده است. بر این اساس، اعتقاد به توحیدی که به نفی سکولاریسم پرداخته و امتداد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داشته، به ایجاد انقلاب اسلامی منجر شده است و همین اعتقاد نیز به بازتولید آن خواهد انجامید. بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان به شاخص «اعتقاد به جدا نبودن دین از سیاست»، به منظور ارزیابی وضعیت اجتماعی از حیث باور به توحید کامل، اشاره کرد.

۲. لایه ارزش‌ها

بعد از فهم مؤلفه کلیدی در لایه اعتقادات، قدم بعدی آن است که مؤلفه‌های کلیدی را در لایه ارزش‌ها، با همان تعریفی که در خصوص مؤلفه کلیدی ذکر شد، استخراج کنیم.

الف) قناعت

به نظر می‌رسد برجسته‌ترین و مهم‌ترین ارزش در فرهنگ عمومی که می‌تواند قوام و استمرار و پویایی انقلاب را حفظ کند، پدیده‌های مادی را وسیله‌دیدن و اصالت ندادن و در نتیجه دل‌ن بستن به آنهاست. بدیهی است هرگاه فرد و جامعه‌ای به سوی تجمل‌گرایی حرکت کنند و نفس دنیا برای آنها اصالت پیدا کند، نمی‌توانند در راه آرمان‌ها و ارزش‌ها که اموری غیر مادی هستند، از جان و مال و آبرو و راحتی خویش بگذرند.

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به تجربه دریافتند که مبارزه، با رفاه‌طلبی سازگار نیست و آنهایی که چنین تصویری دارند با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاطلبی و آخرت است که دو مقوله‌ای [هستند که] که هرگز با هم جمع نمی‌شود. تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. (همان: ۲۱ / ۸۶)

شاخص‌های مثبتی چون ایثار و از خودگذشتگی و شاخص‌های منفی چون مصرف‌زدگی، شاخص‌هایی هستند که میزان ارزش بودن قناعت را در جامعه نشان می‌دهند.

ب) خودباوری و اعتماد به نفس ملی

دومین مؤلفه کلیدی در لایه ارزش‌ها، خودباوری و اعتماد به نفس ملی است. ملتی که بناست با کنار زدن نظام‌های فکری حاکم بر جهان، طرحی نو درافکنند، باید به این باور رسیده باشند که می‌توانند. امام خمینی با الهام از کلام الهی می‌فرماید:

اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان باورش این است که نسبت به آن کار ضعیف است؛ نمی‌تواند آن کار را انجام بدهد. هر قدر قدرت ارتشی زیاد باشد، لکن قدرت روحی نداشته باشد و یا باورش آمده باشد که در مقابل فلان قدرت نمی‌تواند ایستادگی کند، این ارتش محکوم به شکست است. (همان: ۱۴/ ۱۹۴)

برای میزان سنجش اعتماد به نفس ملی، می‌توان از شاخص احساس افتخار به پرچم، دین و ملیت و نیز عقیده به توانمندی ایرانی بهره گرفت.

ج) تعقل

چنان‌که بیان شد، انقلاب اسلامی ایران به سبب خاصیت چالش‌طلبانه‌اش در رویارویی با غرب و شرق، در معرض انواع دشمنی‌ها از سوی آنان قرار دارد. تلاش برای کودتا، ایجاد ناآرامی در کشور، ترور و جنگ تحمیلی از نمونه‌های این دشمنی‌هاست. امروزه تلاش‌ها برای براندازی نظام حاکم، حالتی نرم به خود گرفته و جبهه فرهنگی عظیمی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. حجم زیاد شبکه‌های رادیویی و ماهواره‌ای که علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه‌سازی می‌کنند، بر این مطلب دلالت دارد. در فضای باز اطلاعاتی که افراد با انواع سخن‌ها و دعوت‌ها روبه‌رو هستند، باید در فرد توانی ایجاد کرد که خود بتواند راه را از بیراهه بشناسد، در برابر شبهات مقاومت کند و بر حق پایدار بماند. این منظور، جز با تقویت قوه تعقل و تفکر در افراد امکان‌پذیر نخواهد بود.

از مهم‌ترین روش‌ها در جنگ نرم، آمیختگی حق و باطل است. در چنین شرایطی، از آنجا که باطل به حق شباهت دارد، گروهی را می‌فریبد و آنان را در دام فتنه می‌اندازد. اگر حق و باطل کاملاً روشن بودند، افراد می‌توانستند به راحتی حق را تشخیص داده، به آن عمل کنند و نیز از باطل دوری گزینند. اما در شرایطی که ذکر شد، چنین امکانی به ندرت وجود دارد. آنچه

در این شرایط نجات بخش است، تعقل و تفکر عمیق است؛ امری که به دلیل فقدان آن، اتفاقات ناگوار بسیاری رخ می دهد و تصمیمات غلطی گرفته می شود که آینده ملت ها را در معرض تباهی قرار می دهد.

در چنین شرایطی، افراد بی بصیرت به دلیل فهم اشتباه، ابزاری در دست دشمنان می شوند و ناخواسته و با نیت حق مداری، به عنوان عاملان عده ای که به عمد حق و باطل را درهم آمیخته اند، عمل می کنند.

شهید مطهری رحمته الله علیه با بیان اینکه اولین اصل در تعلیم و تربیت اسلامی، «تعلیم و پرورش عقل» است، خصوصیات عقل را از دید اسلام چنین برمی شمرد:

۱. غربالگری و توانایی تمییز سخن راست از باطل و سخن قوی از ضعیف؛
۲. توانایی تجزیه و تحلیل هر سخن و تشخیص عناصر درست و نادرست آن؛
۳. آینده نگری و آخرت بینی (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۸۴ و ۳۸۵)

این شاخص ها در فهم میزان وضعیت تعقل و تفکر در جامعه مؤثر است.

د) کارمحوری

بی شک، دستیابی انقلاب اسلامی ایران به اهداف بلند خود، رفع عقب ماندگی تاریخی ناشی از برسرکار بودن حکام وابسته و تلاش در جهت سازندگی همه جانبه، جز با کار و تلاش بی وقفه میسر نخواهد شد.

بر این اساس، مقام معظم رهبری از «وجدان کاری» به عنوان کلید حل مشکلات کشور یاد کرده، در این خصوص می فرمایند:

اگر کننده کار، وجدان کاری داشته باشد، آن کار به بهترین شکل انجام خواهد یافت. این، آن چیزی است که کلید مشکلات کشور است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۲/۱۰)

ایشان، شرط رهایی از تسلط دشمنان را توجه به مقوله کار دانسته، می فرمایند:

اگر بخواهید دشمن بر شما مسلط نشود، باید خوب کار کنید. همه باید خوب کار کنند. (همان)

برای بررسی جایگاه این مؤلفه در جامعه، می‌توان از شاخص میزان بهره‌وری در فضای کسب و کار استمداد کرد.

ه) امید به آینده

امید به آینده از مهم‌ترین پیشران‌ها در شکل‌دهی به تحولات آینده است. فرد و جامعه‌ای که ناامیدی، آنان را فراگرفته باشد، انگیزه هیچ اقدام سازنده‌ای در آنان شکل نخواهد گرفت. مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرمایند:

امید، بزرگ‌ترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هرانسانی را به حرکت وادار می‌کند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را ناامید کنید. اگر ناامید کردید، دست‌های فعال سست خواهد شد؛ زانوان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۲۴)

در پایان این بخش، جمع‌بندی آنچه درباره مؤلفه‌های کلیدی در لایه‌های فرهنگ بیان شد، ارائه می‌شود:

شخص	مؤلفه کلیدی	لایه
هم‌بستگی دین و سیاست	توحید	اعتقادات و باورها
رفاه‌زدگی، ایثار و از خودگذشتگی، ترجیح منافع ملی بر منافع جمعی و فردی، مصرف‌گرایی	زهد و قناعت	ارزش‌ها
احساس افتخار به دین، ملیت، پرچم	اعتماد به نفس ملی	
عقیده به توانمندی ایرانی	عقلانیت	
غربال‌گری و توانایی تمییز سخن راست از باطل و سخن قوی از ضعیف		
توانایی تجزیه و تحلیل یک سخن و تشخیص عناصر درست و نادرست آن		
آینده‌نگری و آخرت‌بینی	کارمحوری	
بهره‌وری		
	امید به آینده	

چهار. روش تحقیق

مقاله حاضر برای بررسی و مقایسه مقولات ارزشی در بازه زمانی مورد نظر، از روش تحلیل ثانویه و فراتحلیل سود جسته است. این روش، محدودیت‌هایی دارد؛ مهم‌ترین این محدودیت‌ها این است که بیشتر پرسش‌های مطرح‌شده در پیمایش‌های پیشین، کاملاً پرسش‌های مورد نظر محقق نیست. بنابراین در این روش، استنباط‌ها و نتیجه‌گیری‌ها، محدود به اطلاعات و داده‌های موجود است و نمی‌توان به همه ابعاد مورد نظر تحقیق دست یافت. واحد تحلیل این تحقیق، کشور ایران و واحد مشاهده، کشور ایران از سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ است.

پنج. روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها، اسنادی است و از پیمایش‌هایی استخراج شده که در سطح ملی صورت گرفته است. روش تحلیل داده‌ها نیز آمارهای توصیفی است. در ادامه به معرفی اجمالی این تحقیقات می‌پردازیم:

□ داده‌های سال ۱۳۷۹ از تحقیقی با نام «بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» استخراج شده که منوچهر محسنی درباره ۳۵۴۰ نفر از ساکنان مناطق شهری انجام داده است.

□ داده‌های سال ۱۳۷۹ برگرفته از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول) است که وزارت فرهنگ و ارشاد درباره ساکنان مراکز استان‌ها انجام داده است. حجم نمونه این پیمایش حدود ۱۷ هزار نفر بوده است.

□ داده‌های سال ۱۳۸۰ حاصل یک پژوهش وسیع ملی درباره ۳۴۵۲۱ نفر از جوانان شهرهای ۲۸ مرکز استان کشور است که سازمان ملی جوانان انجام داده است.

□ داده‌های سال ۱۳۸۲ برگرفته از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) است که وزارت فرهنگ و ارشاد درباره ۵۰۰۰ نفر از ساکنان مراکز استان‌ها انجام داده است.

□ سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران که توسط غلامرضا غفاری و به سفارش دفتر امور اجتماعی وزارت کشور در جامعه آماری افراد ۱۸

سال به بالا در خانوارهای معمولی ساکن در ۳۰ مرکز استان با حجم نمونه ۱۳۷۴۷ نفر در سال ۱۳۸۴ انجام گرفته است.

□ داده‌های سال ۱۳۸۴ از پیمایش «فرهنگ سیاسی مردم ایران» گرفته شده که مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) درباره ۵۰۰۰ نفر از ساکنان نواحی شهری و روستایی کشور انجام داده است.

□ طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ایران که توسط دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی در جامعه آماری افراد ۱۵ سال به بالای خانوارهای معمولی ساکن در مراکز ۳۰ استان با حجم نمونه ۱۲۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ انجام گرفته است.

□ داده‌های سال ۱۳۸۵ از تحقیقی با عنوان «سنجش سرمایه اجتماعی جوانان ایران» گرفته شده که میرطاهر موسوی درباره ۴۵۰۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله کشور انجام داده است.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت با توجه به داده‌هایی که از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ در اختیار داریم، تغییرات ارزشی را در بازه زمانی موردنظر بررسی می‌کنیم.

یک. اعتقاد به هم‌بستگی دین و سیاست

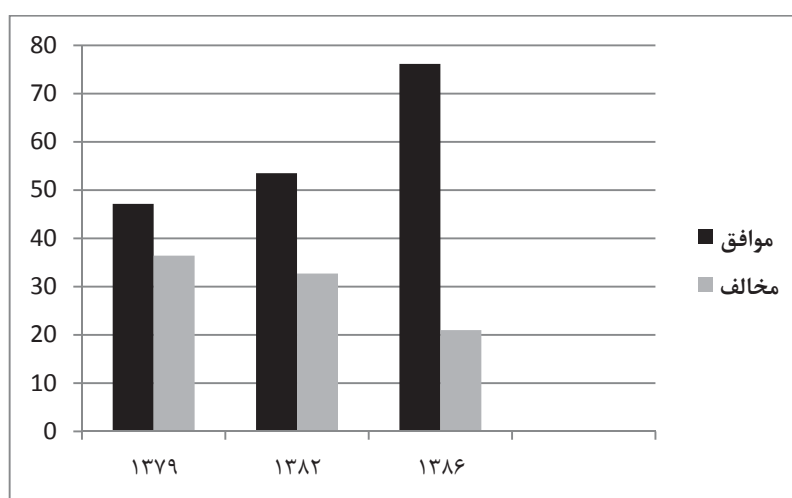
در بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۷۹ (موج اول) انجام شده است، ۱۲/۶ درصد با این نظر که «اگر دین از سیاست جدا باشد پاک‌تر می‌ماند»، کاملاً مخالفت کرده‌اند؛ ۳۴/۵ درصد با آن مخالف بوده‌اند؛ ۱۶/۵ درصد در پاسخ مردد بودند؛ ۲۷/۴ درصد موافق بوده‌اند و ۹ درصد کاملاً ابراز موافقت کرده‌اند.

در موج دوم این پیمایش در سال ۱۳۸۲، این سؤال به این شکل مطرح شده است: «بعضی‌ها معتقدند دین باید از سیاست جدا باشد. شما با این نظر موافقید یا مخالف؟» ۵۳/۵ درصد با این نظر مخالفت کرده‌اند؛ ۱۳/۸ درصد در پاسخ مردد بوده‌اند و ۳۲/۷ درصد با این دیدگاه موافق بوده‌اند.

در پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران که سال ۱۳۸۶ انجام شده است، ۶۶/۹

درصد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را قابل قبول می‌دانند و ۶۷/۹ درصد معتقدند که حکومت باید براساس دین اسلام باشد، حتی اگر اکثر مردم ایران قبول نداشته باشند و ۷۶/۱ درصد معتقدند که قانون اساسی و بقیه قوانین کشور باید مطابق احکام اسلام باشد.

در پیمایشی هم که سازمان ملی جوانان با عنوان پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در سال ۱۳۸۶ انجام داده است، ۶۰ درصد به این پرسش که «آیا مبنای سیاست و حکومت در کشور باید براساس دین و دستورات دینی باشد؟» پاسخ مثبت داده‌اند. نتایج دو پیمایش سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ تا حدودی به یکدیگر نزدیک است و هر دو میزان اعتقاد بالایی را به هم‌بستگی دین و سیاست نشان می‌دهد. مطالب یادشده در قالب این نمودار نمایش داده شده است:



در سال ۱۳۷۹، در پاسخ به این سؤال که «بعضی‌ها می‌گویند به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند، نباید پست و مقام دولتی داد. موافقید یا مخالف؟» ۳۶/۵ درصد اعلام موافقت کرده‌اند و ۲۱/۵ درصد در پاسخ مردد بوده‌اند. درصد موافقان در سال ۱۳۸۲ به ۳۲/۴ درصد و درصد مرددها نیز به ۱۴/۴ درصد کاهش یافته است. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که توجه شود درصد مخالفان این نظر، از ۴۲ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۵۲ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. در پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران نیز در پاسخ به

این سؤال که «کسانی که به هیچ دینی اعتقاد ندارند، حق ندارند در سازمان‌های دولتی استخدام شوند. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟» ۲۳/۳ درصد کاملاً مخالف، ۳۵/۶ درصد مخالف و ۱۱ درصد نیز مردد بوده‌اند. ۱۳/۳ درصد با این نظر موافق و کاملاً موافق بوده‌اند و ۱۲/۴ درصد پاسخ‌ها نیز یا بی‌جواب بوده یا به «نمی‌دانم» اختصاص یافته است. مقایسه پاسخ‌ها به این سؤال با سؤالی که به جنبه نظری اعتقاد به هم‌بستگی دین و سیاست مربوط است، آشکار می‌سازد که مردم اعتقاد عمیقی به هم‌بستگی دین و سیاست دارند و این اعتقاد نیز رو به تزاید بوده است، اما از حیث دخالت این اعتقاد در استخدام افراد در مناصب دولتی و دانشگاه‌ها، مخالفت بیشتری وجود دارد. این مخالفت در عوامل مختلفی ریشه دارد که می‌توان به نگرانی از برخوردهای سلیقه‌ای در این خصوص، اشاره کرد.

دو. قناعت

در خصوص قناعت، شاخص‌هایی را که در بخش‌های پیشین مطرح شد، ارزیابی می‌کنیم:

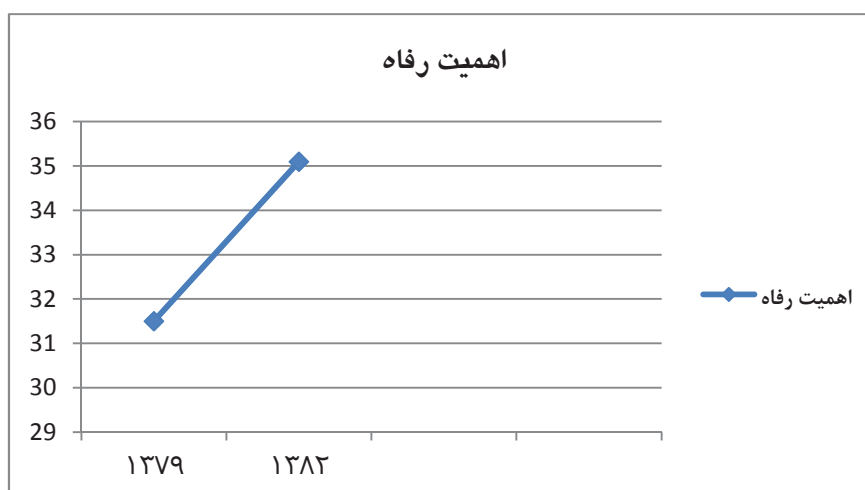
۱. رفاه‌طلبی

در سال ۱۳۷۹ دکتر منوچهر محسنی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی را در ایران بررسی کرده است. نتایج این بررسی، حکایت از آن داشت که ۷۷/۳ درصد هم‌وطنان بر این عقیده بودند که همه هم‌وطنان دنبال پولند؛ ۱۳/۷ درصد تا حدودی با این نظر موافق بودند و ۷/۶ درصد ابراز مخالفت کردند. این آمار در مردان به صورت ۷۸/۶ درصد موافق و ۶/۸ درصد مخالف و در زنان ۷۶ درصد موافق و ۸/۵ درصد مخالف بود. ۴۹/۲ درصد از پاسخ‌گویان با این نظر که «پولدارها همیشه موفقند» مخالف بودند، ۳۰/۷ درصد این نظر را تأیید کردند و ۱۸/۳ درصد نیز با آن موافقت نسبی داشتند. در بخش سنجش ارزش‌های اجتماعی نیز ۶۴/۲ درصد، ثروت را در زندگی تا حدودی مهم؛ ۲۵/۴ درصد، آن را مهم؛ و ۹/۸ درصد بی‌اهمیت دانسته‌اند. به عبارت دیگر، ۸۹/۶ درصد، ثروت را مهم و تا حدودی مهم تلقی کرده‌اند.

در بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که سال ۱۳۷۹ در ۲۸ استان کشور انجام شده است، مردم چهار مسئله اول کشور را به ترتیب، امنیت با ۴۶/۲ درصد، رفاه با ۳۱/۵ درصد،

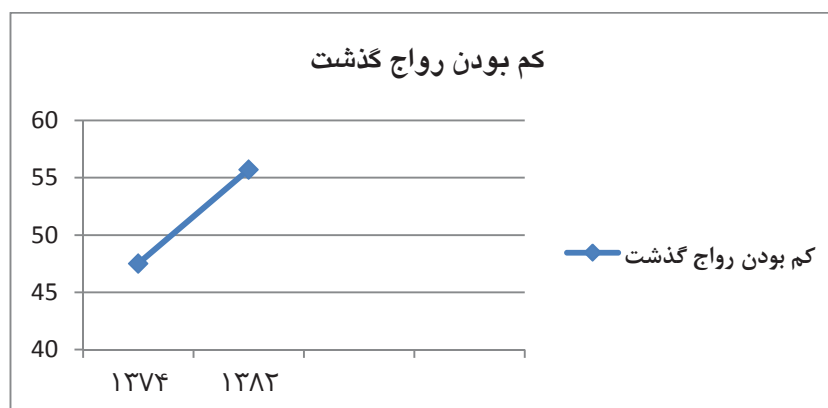
آزادی بیان با ۱۳/۹ درصد، و مشارکت سیاسی با ۸/۴ درصد دانسته‌اند. این سؤال به نحو دیگری نیز تکرار شده است و آن اینکه «دومین مسئله کشور از نظر شما کدام است؟» نتایج به این ترتیب بوده است: رفاه با ۳۹/۸ درصد، امنیت با ۲۹/۴ درصد، آزادی بیان با ۱۶/۲ درصد و مشارکت سیاسی با ۱۴/۵ درصد. در بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) که سال ۱۳۸۲ در ۲۸ استان کشور انجام شده است، مردم پنج مسئله اول کشور را به ترتیب: رفاه (۳۵/۱)، امنیت (۲۹/۵)، حفظ ارزش‌های دینی (۲۱/۶)، مشارکت سیاسی (۸/۲) و آزادی بیان (۶/۵) دانسته‌اند.

چنان که در سطور پیش مشاهده شد، در سال ۱۳۷۹، ۳۱/۵ درصد مردم رفاه را دومین مسئله کشور بعد از امنیت دانسته‌اند. در سال ۱۳۸۲ با یک جابه‌جایی، ۳۵/۱ درصد مردم رفاه را مسئله اول کشور و ۲۹/۵ درصد امنیت را دومین مسئله کشور قلمداد کرده‌اند. حفظ ارزش‌های دینی در این بین با ۲۱/۶ درصد، جایگاه سوم را به خود اختصاص داده است.

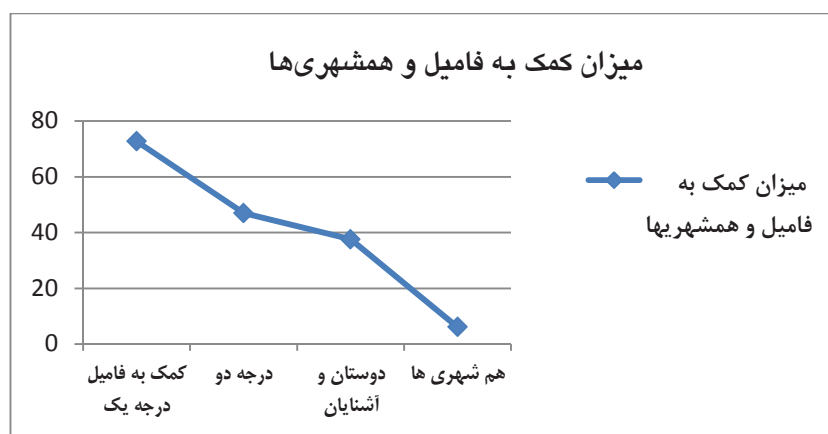


در سال ۱۳۷۹، ۴۷/۵ درصد معتقد به کم رواج بودن گذشت، ۲۵/۵ درصد به متوسط بودن رواج گذشت و ۲۲/۹ درصد به زیاد بودن آن در بین مردم اعتقاد داشته‌اند. همچنین در خصوص انصاف، ۵۳/۵ درصد مردم به رواج کم، ۲۹/۶ درصد به رواج متوسط و ۱۶/۶ درصد به زیاد بودن آن معتقد بودند. در سال ۱۳۸۲، در بخش رواج ارزش‌ها در بین مردم (موج دوم)

۵۵/۷ درصد به کم رواج بودن گذشت، ۳۱/۳ درصد به متوسط بودن آن و ۱۳/۹ درصد به زیاد بودنش معتقد بودند. همچنین در خصوص انصاف، ۵۲/۶ درصد مردم به رواج کم، ۳۴/۹ درصد به رواج متوسط و ۸/۹ درصد به رواج زیاد، اعتقاد داشتند. در این تحقیق همچنین آمده است که ۴۸/۷ درصد پاسخ‌دهندگان موافقند که بیشتر مردم اگر موقعیتی بیابند، سر همدیگر را کلاه می‌گذارند؛ ۱۰/۷ درصد مردد و ۴۰/۶ درصد مخالف بودند. در تحقیقی که غلامرضا غفاری در سال ۱۳۸۴ با عنوان «سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران» از طرف دفتر امور اجتماعی وزارت کشور انجام داده است، ۴۳/۹ درصد به رواج کم و خیلی کم گذشت، ۳۴/۷ درصد تا حدودی، ۲۱/۴ درصد به رواج زیاد و خیلی زیاد گذشت معتقد بودند. در خصوص انصاف نیز ۴۱/۹ درصد به رواج کم، ۴۲ درصد تا حدودی و ۱۶/۱ درصد به رواج زیاد و خیلی زیاد معتقد بودند.



در خصوص میزان بده‌بستان (کمک) افراد با فامیل‌های درجه یک: ۷۲/۷ درصد زیاد و خیلی زیاد؛ بستگان درجه دو: ۴۷ درصد زیاد و خیلی زیاد؛ و دوستان و آشنایان: ۳۷/۶ درصد زیاد و خیلی زیاد، درصد بالایی را شاهد هستیم. اما میزان بده‌بستان با همکاران (۱۹/۲) زیاد و خیلی زیاد) و هم‌محله‌ای‌ها (۱۱/۵) درصد زیاد و خیلی زیاد) و همشهری‌ها (۶/۱) زیاد و خیلی زیاد) و افراد غیر همشهری (۳/۷) درصد زیاد و خیلی زیاد) به طرز چشمگیری رو به افول است.



در بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که سال ۱۳۷۹ در ۲۸ استان کشور انجام شده است، ۲۵/۹ درصد از مردم، به این سؤال که «فرض کنید رئیس یک اداره هستید و یکی از بستگان نزدیک شما برای کار اداری به شما مراجعه می‌کند، حاضرید کار او را خارج از نوبت انجام دهید؟» پاسخ مثبت داده‌اند.

۲۵/۲ درصد از مردم به این سؤال که «آیا حاضرید جهت دفاع از کشورتان به جنگ بروید؟» پاسخ منفی داده‌اند، ۲۰/۸ درصد گفته‌اند که احتمال دارد به جبهه بروند و ۵۳/۶ درصد اعلام کرده‌اند که در این شرایط به جبهه خواهند رفت. به این پرسش که «اگر پیشرفت و آبادانی کشور نیاز به این داشته باشد که هر ایرانی و از جمله شما یک ماه از سال را در مناطق محروم کشور خدمت کند، شما در چنین شرایطی آیا حاضرید این کار را انجام بدهید؟» ۶۵/۱ درصد مردم جواب مثبت داده‌اند و درصد کسانی که جوابشان بینابین بوده است به ۱۹/۹ درصد رسیده است. ۱۲/۳ درصد نیز جواب منفی داده‌اند. مقایسه پاسخ این دو سؤال، آشکارا نشان می‌دهد تعداد کسانی که حاضرند تا پای جان در راه دفاع از کشورشان بایستند، از تعداد کسانی که حاضرند محرومیت‌های اقتصادی را تحمل کنند، بسیار کمتر است؛ هرچند در هر دو صورت، درصد این افراد بسیار بالا و درخور توجه است. در تحقیق «وضعیت و نگرش جوانان ایران» که سازمان ملی جوانان به صورت ملی در پائیز ۱۳۸۰ انجام داده است، ۷۳/۱ درصد از جوانان معتقد بودند بیشتر گروه‌های سیاسی، منافع گروهی را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند.

مشاهده این آمارها نشان می‌دهد که در مجموع، در طول سالیان گذشته میل به تقدم منافع خود بر منافع دیگران، افزایش یافته است.

۲. مصرف‌گرایی

در این بخش، برخی آمارهای مراجع رسمی درخور توجه است. براساس گزارش مؤسسه «مارکت اوراگل»، ایران از نظر عرضه بنزین ارزان، سومین کشور و از نظر میزان یارانه پرداختی به این کالا نخستین کشور در میان کشورهای جهان است. بیش از ۳۶ درصد کل مصرف بنزین خاورمیانه در سال ۲۰۰۷، در ایران مصرف شده است.

متوسط مصرف سوخت خودروهای بنزینی در کشورمان حدود یازده لیتر در روز است؛ در حالی که در کشورهای دیگر نظیر آلمان ۵، ژاپن ۱/۳، فرانسه ۲/۹، انگلیس ۰/۶، آمریکا ۰/۳ و کانادا ۵ لیتر در روز است. هر ده سال یک بار میزان مصرف سوخت در ایران دو برابر می‌شود، اما این نرخ رشد در مقیاس جهانی یک تا دو درصد بیشتر نیست و میزان سوخت مصرفی جهان در حدود هر پنجاه سال یک بار، دو برابر می‌شود؛ یعنی ایران در مقایسه با میانگین جهانی، چهار تا پنج برابر بیشتر سوخت مصرف می‌کند.

هم‌اکنون ۹ درصد سوخت جهان در ایران و توسط تنها یک درصد جمعیت جهان مصرف می‌شود و هر ساله بیش از ۳۸ درصد از بودجه سالانه دولت ایران به یارانه بنزین اختصاص می‌یابد؛ در حالی که در صورت مصرف استاندارد، ایران می‌تواند یکی از صادرکنندگان بنزین باشد.

به گفته معاون وزیر بازرگانی، سرانه مصرف نان در ایران حدود ۱۶۰ کیلوگرم در سال است که در مقایسه با کشورهای اروپایی نظیر فرانسه که ۵۶ کیلوگرم و آلمان که ۷۰ کیلوگرم در سال است، بیش از دو تا سه برابر است. به اذعان رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز یارانه نان طی پنج سال اخیر، به‌طور متوسط سالانه بیش از سی درصد رشد داشته است و در سال جاری این رقم بالغ بر ۲۶ هزار میلیارد ریال است. با ادامه این روند، طی ده سال آینده با رشد متوسط درصد، بدون در نظر گرفتن افزایش یارانه قیمت نان، میزان یارانه پرداختی به ۶۰۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید.

براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران دومین کشور جهان از نظر پرداخت یارانه انرژی با رقم ۳۷ میلیارد دلار است. مصرف سرانه انرژی در ایران به ازای هر نفر، بیش از پنج برابر مصرف سرانه کشوری مانند اندونزی با ۲۲۵ میلیون نفر جمعیت، دو برابر چین با یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و چهار برابر کشور هند با یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون نفر جمعیت است. با مقایسه شاخص شدت مصرف انرژی در ایران با بسیاری از کشورهای جهان، شاهد وضعیت ناهنجار بهره‌برداری انرژی هستیم.

در بخش ساختمان و مسکن ایران، براساس آمار و ارقام منتشرشده، متوسط مصرف انرژی به ازای هر متر مربع در ایران، شش برابر متوسط مصرف در کشورهای صنعتی است که در بعضی از شهرهای کشورمان، این رقم به حدود چهار برابر می‌رسد.

الگوی مصرف آب آشامیدنی براساس اعلام بانک جهانی برای یک نفر در سال، یک متر مکعب و برای بهداشت در زندگی به ازای هر نفر، صد متر مکعب در سال است. بر این اساس، در کشور ما هفتاد درصد بیشتر از الگوی جهانی، آب مصرف می‌شود. از نظر مصرف برق نیز، ایران نوزدهمین کشور پرمصرف برق در دنیاست و دولت، سالیانه یارانه ۴ هزارمیلیارد تومانی برای برق در نظر می‌گیرد.

بنابراین، مقایسه میزان مصرف در بخش‌های مختلف با دیگر کشورها، نشان‌دهنده مصرف زیاد انرژی در ایران به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی، معادل سه برابر مقداری است که در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته مصرف می‌شود. مصرف بنزین کشور طی سه هفته نخست سال جاری، باوجود سهمیه‌بندی، یک میلیون لیتر افزایش یافت و به ۶۸ میلیون لیتر در روز رسید. گاز خانگی نیز در سال ۱۳۸۷ حدود دوازده درصد افزایش داشت. البته اگر این افزایش رشد در بخش صنعت و نیروگاه‌های برق بود، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد؛ زیرا این رشد به تولید، عرضه کالا و در نهایت به اشتغال‌زایی ختم می‌شد. (برین، ۱۳۸۸) آمارها نشان می‌دهد میزان مصرف‌گرایی در ایران، در مجموع بسیار بالاست.

سه. کار

براساس تحقیقات صورت‌گرفته، نرخ بهره‌وری کار در ایران ۲۰ — ۲۵ دقیقه در روز است،

درحالی‌که متوسط جهانی ۵/۵ ساعت است. این زمان در هفته به شش تا هفت ساعت می‌رسد. طبق آمار دیگری، نرخ کار روزانه در بخش دولتی در ایران ۱/۴ ساعت و در بخش خصوصی ۲/۶ ساعت است.

همچنین سرانه مفید کار در ایران سالانه هشتصد ساعت است، درحالی‌که این میزان در ژاپن ۲۴۲۰ ساعت، در کره جنوبی ۱۹۰۰ ساعت، در چین ۱۴۲۰ ساعت، در آمریکا ۱۳۶۰ ساعت، در ترکیه ۱۳۳۰ ساعت، در پاکستان ۱۱۰۰ ساعت، در افغانستان ۹۵۰ ساعت و در آلمان ۱۷۰۰ ساعت است.

براساس اعلام جامعه جهانی کار، در ایران زمان کار مفید پرسنل فقط ۲۲ دقیقه است که در آلمان این میزان ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه و در ژاپن در حدود ۸ ساعت است.

در تحقیقی که دکتر منوچهر محسنی در سال ۱۳۷۴ انجام داده است، حدود ۶۲ درصد مردم شانس را عامل مهمی در نیل به موفقیت‌های اجتماعی دانسته‌اند. ۱۸/۲ درصد با این نظریه، تا حدودی موافقت و تنها ۱۷/۸ درصد با آن مخالفت کرده‌اند. شاید از این آمار بتوان چنین نتیجه گرفت که در نگاه اجتماعی، در مقایسه با اثر کار، عامل شانس برای رسیدن به موفقیت اجتماعی، اهمیت بیشتری دارد.

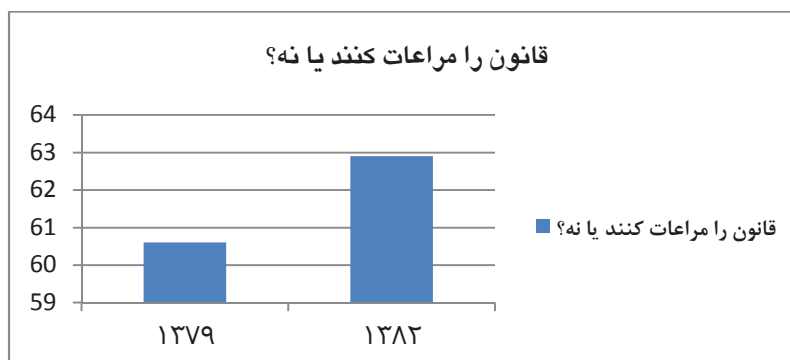
در تحقیقی با عنوان «سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران» که غلامرضا غفاری از طرف دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، در سال ۱۳۸۴ انجام داده است، ۵۱/۹ درصد افراد معتقد بودند وجدان کاری در بین مردم بسیار کم و کم رواج دارد. ۳۵/۹ درصد به رواج تا حدودی اعتقاد داشتند و تنها ۱۲/۱ درصد معتقد بودند وجدان کاری به صورت زیاد و خیلی زیاد در مردم رواج دارد. در خصوص احساس مسئولیت نیز ۴۶/۹ درصد به رواج کم و خیلی کم، ۳۹/۹ درصد به رواج تا حدودی و ۱۲/۱ درصد به رواج زیاد و خیلی زیاد معتقد بودند. در زمینه رواج ارزش‌های مثبت، وجدان کاری، پایین‌ترین جایگاه را در جامعه از نظر پرسش‌شوندگان داشت.

چهار. تعقل

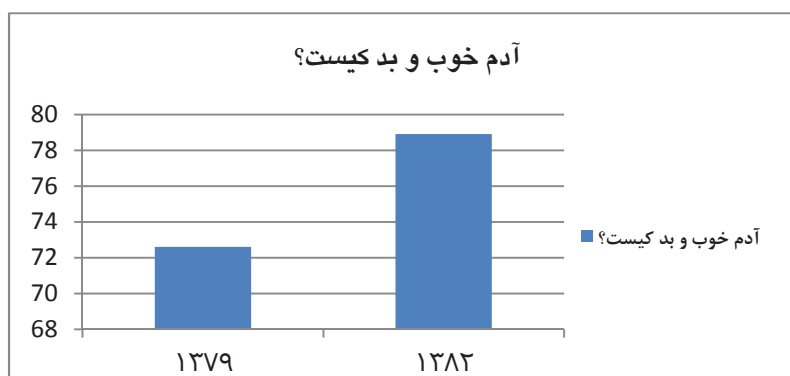
در دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها، در بخش احساس بصیرت اجتماعی، پرسش‌هایی

مطرح شده است که توجه به پاسخ آنها تا حدی مشخص می‌سازد مردم به چه میزان دارای قوه تشخیص هستند.

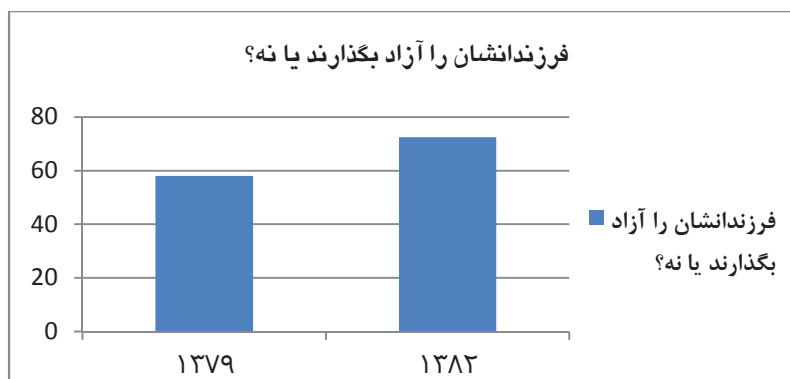
در سال ۱۳۷۹، ۶۰/۷ درصد با این نظر موافق بوده‌اند که مردم نمی‌دانند بالاخره باید قانون را مراعات کنند یا پارتی‌بازی کنند تا کارشان پیش برود؟ این درصد در سال ۱۳۸۲ به ۶۲/۹ درصد افزایش یافته است. این نتیجه در قالب نموداری ارائه می‌گردد.



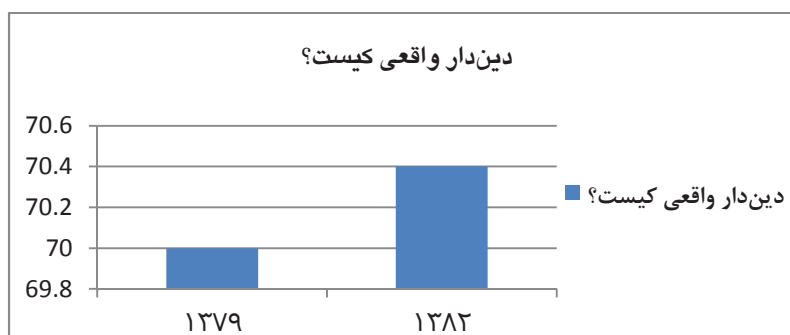
در سال ۱۳۷۹، ۷۲/۶ درصد با این نظر موافق بوده‌اند که مردم واقعاً نمی‌دانند این روزها آدم خوب کیست و آدم بد کیست؟ این درصد در سال ۱۳۸۲ به ۷۸/۹ درصد افزایش یافته است. نتیجه یادشده در قالب این نمودار ارائه شده است.



در سال ۱۳۷۹، ۵۸/۱ درصد با این نظر موافق بوده‌اند که مردم واقعاً نمی‌دانند فرزندانشان را در رفت و آمد با دوستان خود آزاد بگذارند یا نه؟ این درصد در سال ۱۳۸۲ به ۷۲/۵ درصد افزایش یافته است. نتیجه یادشده در قالب یک نمودار ارائه شده است.



در سال ۱۳۷۹، هفتاد درصد با این نظر موافق بوده‌اند که مردم واقعاً نمی‌دانند دین‌دار واقعی کیست و متظاهر و ریاکار کیست؟ این رقم در سال ۱۳۸۲ به ۷۰/۴ افزایش یافته است. نتیجه یادشده در قالب نموداری ارائه می‌گردد.



نکته مهم آن است که در هر دو پیمایش، با افزایش سواد، بر تردید و سرگردانی‌ها افزوده‌تر می‌شود.

پنج. اعتماد به نفس ملی

یافته‌های حاصل از سنجش نگرش‌ها و ارزش‌های ایرانیان (موج اول) حاکی از آن است که ۳۵/۳ درصد، «ایرانی بودن» را در دنیای امروز برای خود کاملاً افتخار می‌دانند. ۳۲/۸ درصد خیلی زیاد، ۱۸/۷ درصد زیاد، ۸/۲ درصد متوسط، ۲/۴ درصد کم، ۱/۴ درصد خیلی کم ایرانی بودن را افتخار می‌دانند و ۱/۱ درصد هیچ اعتقادی به این مسئله ندارند. در تحقیق درباره وضعیت و نگرش جوانان ایران، که سازمان ملی جوانان به صورت ملی

در پاییز ۱۳۸۰ انجام داده است، ۹۵/۹ درصد گفته‌اند که در هر کجای جهان باشند به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و ۸۲/۹ درصد بیان کرده‌اند که زندگی در ایران را بر هرکجای دنیا ترجیح می‌دهند. ۹۳/۲ درصد نیز ابراز داشته‌اند که در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان باید از فرهنگ خود دفاع کنیم و ۸۸ درصد معتقد بودند که خوی و فرهنگ ایرانی در مقایسه با دیگر تمدن‌ها، حرف‌های مهمی برای گفتن دارد.

در پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران ۴۶/۶ درصد با این نظریه که «فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی، در جهان، بهترین است» موافق بوده‌اند و ۱۲/۶ درصد کاملاً ابراز موافقت کرده‌اند. ۴/۵ درصد کاملاً مخالف، ۱۳/۵ درصد مخالف و ۱۴/۳ درصد نیز مردد بوده‌اند. ۳/۵ درصد با این عقیده که «افتخار می‌کنم که تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی هستم» کاملاً مخالف و ۷/۷ درصد مخالف بوده‌اند. ۱۲/۳ درصد مردد، ۵۰/۸ درصد موافق و ۲۰/۳ درصد کاملاً موافق بوده‌اند و ۵/۴ درصد نیز پاسخ «نمی‌دانم» داده‌اند.

مرور این مطالب نشان می‌دهد که مردم ایران از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند و در مقایسه با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نه تنها احساس حقارت نمی‌کنند، بلکه با احساس افتخار به نظام سیاسی و فرهنگ خود، معتقدند که قدرت ساختن همه چیز و انجام دادن هر کاری را دارند. ایجاد این باور را می‌توان از جمله دستاوردهای مهم نظام جمهوری اسلامی برشمرد.

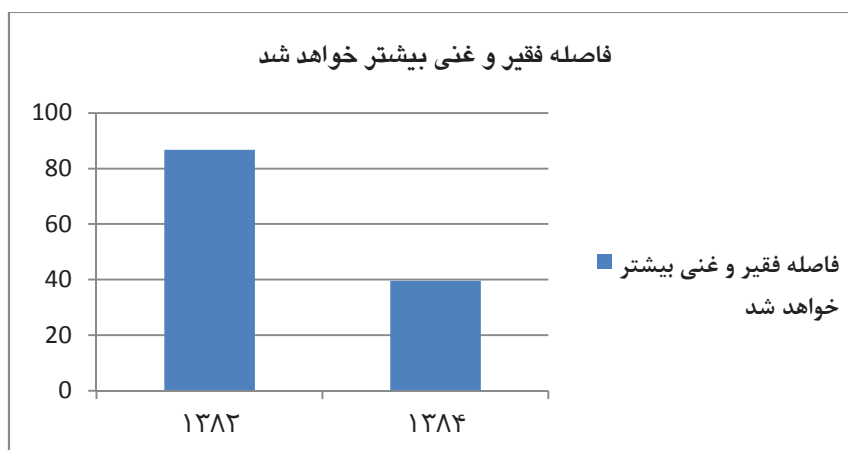
نشش. امید به آینده

در موج دوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، ۸۶/۸ درصد اعلام کرده‌اند فاصله فقیر و غنی در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد. ۸/۱ درصد اعلام کرده‌اند فاصله کمتر خواهد شد و ۵/۱ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نخواهد کرد.

۳۶/۶ اعلام کرده‌اند اوضاع سیاسی کشور در پنج سال آینده بهتر خواهد شد. ۴۴/۴ درصد اعلام کرده‌اند بدتر خواهد شد و ۱۹ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نخواهد کرد.

۸۷/۴ درصد اعلام کرده‌اند رواج صفات بد اخلاقی در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد. ۶/۶ درصد اعلام کرده‌اند کمتر خواهد شد و ۶ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نخواهد کرد. ۷۱/۵ درصد اعلام کرده‌اند رواج صفات خوب در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد و ۱۵/۷ درصد

اعلام کرده‌اند کمتر خواهد شد و ۱۲/۷ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نخواهد کرد. در پیمایش سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران که غلامرضا غفاری در سال ۱۳۸۴ انجام داده است، ۴۶ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت رفاهی در آینده بهتر خواهد شد. ۲۳/۴ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت رفاهی در آینده بدتر خواهد شد. ۱۸/۴ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت رفاهی در آینده فرقی نخواهد کرد و ۱۲/۳ درصد پاسخ نمی‌دانم داده‌اند. ۳۰/۳ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت فقر و نابرابری در آینده بهتر خواهد شد. ۳۹/۶ درصد اعلام کرده‌اند بدتر خواهد شد. ۱۸/۴ درصد گفته‌اند که فرقی نخواهد کرد و ۱۲ درصد پاسخ نمی‌دانم داده‌اند. در خصوص پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، ۲۷/۶ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت در آینده بهتر می‌شود. ۳۴/۴ درصد اعلام کرده‌اند بدتر خواهد شد؛ ۱۶ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نخواهد کرد و ۱۳ درصد پاسخ نمی‌دانم داده‌اند. در خصوص جرم و جنایت، ۲۳/۳ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت در آینده بهتر می‌شود. ۴۳/۲ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت بدتر خواهد شد. ۱۴/۵ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نخواهد کرد و ۱۸/۹ درصد پاسخ نمی‌دانم داده‌اند. مقایسه دو نتیجه یادشده در بخش فاصله فقیر و غنی در آینده، نشان می‌دهد که ۸۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ اعلام کرده‌اند فاصله فقیر و غنی در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد؛ این رقم در سال ۱۳۸۴ به ۳۹/۶ درصد رسیده است. در سال ۱۳۸۲، ۸/۱ درصد اعلام کرده‌اند فاصله کمتر خواهد شد که این درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۰/۳ درصد افزایش یافته است.



در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (۱۳۸۴) پرسیده شده است که «بعضی افراد معتقدند که در کل، وضعیت کشور رو به بهبود است. عده ای هم نظر مخالف این موضوع را دارند و معتقدند وضعیت کشور روز به روز بدتر می‌شود. شما چه فکر می‌کنید؟» در پاسخ، ۴۰/۶ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت روز به روز بدتر می‌شود. ۲۶/۲ درصد اعلام کرده‌اند وضعیت نه بدتر می‌شود نه بهتر و ۲۵/۲ درصد پاسخ داده‌اند که وضعیت رو به بهبود است. در تحقیقی که میرطاهر موسوی در سال ۱۳۸۶ انجام داده است، ۴۹ درصد جوانان معتقدند وضعیت جامعه در آینده بهتر خواهد شد. نکته مهم در تحلیل این نتایج، آن است که درصد افرادی که پاسخ نمی‌دانم داده‌اند یا اعلام کرده‌اند که وضعیت در آینده نه بدتر خواهد شد و نه بهتر، تقریباً در تمامی موارد، بالاست و این نشان‌دهنده افرادی است که نه به آینده خوش‌بینند و نه بدبین و نه تحلیلی از وضعیت آینده دارند.

نتیجه

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با تکیه بر دین و ارزش‌های متعالی به پیروزی رسید. این انقلاب به‌مثابه انفجاری عظیم و تحول‌آفرین در دو دهه پایانی قرن بیستم، بسیاری از معادلات جهانی را به‌ویژه در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی دگرگون ساخت و آینده‌ای جدید و امیدوارکننده، با نقش‌آفرینی دین و معنویت، در برابر جهانیان، به‌ویژه مسلمانان قرار داد. انقلاب اسلامی را باید انقلاب ارزش‌ها دانست که با اتکا به اعتقادات و ارزش‌های معنوی و متعالی به پیروزی رسید و علت بقا و شرط تحقق اهداف آن نیز همین اعتقادات و ارزش‌هاست. بر این اساس، پایش دائمی وضعیت جامعه، شناسایی ضعف‌ها و آسیب‌های احتمالی و برنامه‌ریزی در رفع آنها، در بالندگی هرچه بیشتر درخت تنومند انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، نقش بسیار مؤثری دارد. از همین روی، تحقیقات بسیاری در این زمینه شده است، اما چنان که ذکر شد، یا بیشتر ناظر به ارزش‌های فردی است و نه ارزش‌هایی که متناسب با شکل‌گیری جامعه تراز انقلاب اسلامی باشد؛ یا ناظر به کلان‌شهرها و به‌ویژه تهران است. مضاف آنکه متأسفانه برخلاف روحیه علمی، گاه تأثیر سوگیری‌های منفی درباره انقلاب اسلامی، در طراحی نتایج مشاهده می‌شود.

به هر حال بررسی و تحلیل نتایج نشان می‌دهد:

۱. برخلاف برخی ادعاها در خصوص گسترش سکولاریزم در ایران، درصد بسیار بالایی از مردم از لحاظ نظری، حضور دین را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی لازم می‌دانند و معتقدند همین‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مندرج است، حق است. مهم آن است که این درصد، در بازه زمانی تحقیق حاضر، روندی رو به رشد نیز داشته است. همچنین این باور آنگاه که جنبه عینی می‌یابد و مانند مسئله دخالت در گزینش‌ها و استخدام‌ها، با زندگی مردم ارتباط بسیار نزدیک پیدا می‌کند، تا حدودی کاهش می‌یابد. این مسئله با توجه به اعتقاد مردم، ممکن است به دلیل نگرانی از برخوردهای سلیقه‌ای باشد.

۲. به نظر می‌رسد رفاه‌طلبی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی و ملی در طول سی سال گذشته، رشد کرده است. در نتیجه، ایثار و از خودگذشتگی کاهش یافته است. این مسئله باید مورد توجه جدی قرار گیرد و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در بخش‌های مختلف، به گونه‌ای باشد که فرهنگ قناعت و ایثار و از خودگذشتگی در جامعه تقویت شود.

۳. نکته بسیار مهم دیگر آنکه جامعه ایران از اعتماد به نفس بسیار بالایی برخوردار است که بی‌شک از جمله دستاوردهای بسیار مهم انقلاب اسلامی است. این باور که ایرانی از دیگران هیچ کم ندارد و به اتکای خود می‌تواند همه‌چیز بسازد، مهم‌ترین بستر تحقق تمام اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که به دنبال درافکندن طرحی نو در عالم است.

۴. به نظر می‌رسد جامعه ایران از جهت فرهنگ کار و تلاش، وضعیت چندان مناسبی ندارد و گاه تمسک به شانس و اقبال در رشد و ترقی، جایگاه بالاتری از کار و تلاش، در اذهان دارد.

۵. درصد بالایی از مردم، با وجود هوشیاری، در تشخیص دوگانه‌هایی از قبیل اینکه در معاشرت، باید فرزندان را آزاد گذاشت یا نه، سرگردانند. بی‌شک مردم ایران، آنگاه که حقیقت روشن بوده است، از آن دفاع کرده اند، اما ممکن است شرایطی پیش آید که حقیقت روشن نباشد و به عبارتی، شرایط فتنه‌گون حاکم گردد. در این شرایط، اگر توان تجزیه و تحلیل و تفکر در افراد، بالا نباشد و آموزش لازم را ندیده باشند، چه بسا بخشی از مردم دچار سرگردانی شوند. از این رو، لازم است برای افزایش چنین توانی در جامعه، برنامه‌ریزی و تلاش جدی و همه‌جانبه صورت گیرد.

۶. آمار کسانی که به آینده بهتر امید ندارند، چشمگیر است؛ هرچند در مقابل، درصد امیدواری نیز در جامعه بالاست و درصد امید به آینده در خصوص برخی موارد، همچون کاهش فاصله فقیر و غنی در آینده، در طول سال‌ها رو به افزایش بوده است. نکته مهم آن است که درصد افرادی که درباره آینده نظری ندارند، درخور توجه است. بر این اساس، افزایش امیدواری واقعی در مردم، از جمله مسائل مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. باید با انعکاس دقیق تلاش‌های صورت‌گرفته و تشریح شرایط داخلی و جهانی، امید را در مردم و به‌ویژه در میان طیف بینابین افزون کرد. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی مناسب و منسجمی برای این مسئله وجود ندارد؛ چنان‌که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۸، با انتقاد از عملکرد صدا و سیما در این خصوص فرمودند:

اگر صدا و سیما می‌توانست همان جور که تلویزیون فلان کشور غربی با یک سابقه و تجربه فراوان و با استفاده هنری، دروغ‌های خودش را راست جلوه دهد، واقعیات کشور را درست منعکس کند، شما بدانید امروز امید نسل جوان، دل‌بستگی نسل جوان به کشورش، به دینش، به نظام جمهوری اسلامی‌اش، به مراتب بیشتر از حالا بود. این ایراد ماست به صدا و سیما؛ اگر می‌توانست درست وضع کشور را منعکس کند، خیلی شغف و بهجت بینندگان به مراتب بیشتر از آنی می‌شد که امروز هست. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۸/۶)

منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۸۲، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۳. برین، ابراهیم، ۱۳۸۸، تحقیق فرایند مصرف‌گرایی در کشورهای در حال توسعه، معاونت سیاسی وزارت کشور، کد پژوهشی ۳۹۳: p.
۴. بی‌نا، ۱۳۸۰، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)* «یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

۵. بی‌نا، ۱۳۸۵، پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران در سال ۱۳۸۴، تهران، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
۶. بی‌نا، ۱۳۸۶، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان، تهران، سازمان ملی جوانان، دفتر مطالعات و تحقیقات.
۷. بی‌نا، ۱۳۸۲، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) «یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر انتشارات طرح‌های ملی.
۸. بی‌نا، ۱۳۸۵، سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۹. پهلوان، چنگیز، ۱۳۷۸، فرهنگ‌شناسی، تهران، نشر پیام امروز.
۱۰. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۶، «جنبش دانشجویی و سیاست فرهنگی»، ماهنامه آیین، ش ۱۰، دی ماه ۱۳۸۶.
۱۱. توکلی، مهناز، ۱۳۷۸، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
۱۲. ریشه، گی، ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چ اول.
۱۳. سازگار، پروین، ۱۳۷۷، نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ، تهران، کویر.
۱۴. غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۴، سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران، تهران، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
۱۵. محسنی، منوچهر، ۱۳۷۹، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، نشر صدرا، چ ۲۶.
۱۷. موسوی، میرطاهر، ۱۳۸۶، سنجش سرمایه اجتماعی جوانان در ایران، تهران، سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی.

